

پایه:	۹	موضوع:	فقه ۵
تاریخ:	۹۴/۰۵/۱۹	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: مکاسب، از اهل فهارات تا القول فی ماهیه العیب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. هل للموکل بناءً علی ثبوت الخيار له تفویض الأمر إلى الوکیل العاقد بحيث یصیر ذا حقّ خیاری؟ ج ۵/۳۲/۱۵

أ. نعم؛ لأنّ الحقّ قابل للإنتقال

ب. نعم و یمكن توكيله فی الفسخ أيضاً

ج. لا؛ لأنّ المتیقّن ثبوت الخيار له عند العقد

د. لا؛ لأنّ الخيار لا یثبت لوکیل

۲. اشتراط ردّ بدل الثمن فی بیع الخيار ولو مع التمكن من العین

ج ۵/۱۴۶/۳

أ. جائز لعموم «المؤمنون عند شروطهم»

ب. جائز لمقتضى التراضی بینهما

ج. غیر جائز لأنّه خلاف مقتضى الفسخ

د. غیر جائز لأنّه خلاف مقتضى العقد

۳. یشتراط فی خيار التأخیر د ۲۲۰-۳

أ. قبض المبیع وعدم قبض مجموع الثمن

ب. عدم قبض المبیع وأن یكون المبیع کلیاً

ج. عدم قبض الثمن وأن یكون کلیاً

د. عدم قبض المبیع وعدم قبض مجموع الثمن

۴. ثم إنّ المراد بالفساد [فی اشتراء ما یفسد من یومه] فی النصّ والفتوی ج ۲۴۴

أ. هو الفساد الحقیقی فقط

ب. هو تبدل الحقیقة فقط

ج. الفساد الحقیقی أو تغیر العین

د. هو خصوص فوات السوق

تشریحی

* لو تلف ما فی ید المغبون بإتلاف الغابن فإن لم یفسخ المغبون أخذ القيمة من الغابن و إن فسخ أخذ الثمن. و لو كان إتلافه قبل ظهور الغبن فأبرأه

المغبون من الغرامة ثمّ ظهر الغبن ففسخ وجب علیه ردّ القيمة. ۲۰۰

۱. أ. در فرع اول، فرق بین حکم فسخ مغبون و عدم فسخ را توضیح دهید. ب. فرع دوم را بیان کرده، مرجع ضمیر «علیه» را معین کنید.

أ. در صورت فسخ مغبون گویا عقدی محقق نشده، لذا غابن باید مال مغبون را برگرداند و چون تلف شده بدلش را می‌دهد و ثمن مورد به

عنوان عوض مورد توافق هر دو بوده است ولی در صورت عدم فسخ مال مغبون فیه در ملک مغبون تلف شده و غابن ضامن قیمت مال

متلف است. ب. اگر غابن قبل از ظهور مال مغبون فیه را تلف کند و مغبون، غابن را از أداء قیمت ابراء کند سپس ظاهر شود و

مغبون معامله را فسخ کند، بر مغبون واجب است قیمت متلف را به غابن برگرداند.

* إن ردّ الثمن فی بیع الخيار إمّا أن یؤخذ قیداً لإنفاسخ العقد و إمّا أن یؤخذ شرطاً لوجوب الإقالة علی المشتري. ۱۳۰

۲. فرق دو صورت مذکور را توضیح دهید.

ردّ ثمن از ناحیه بایع به مشتری، قید برای انفاسخ عقد است یعنی بایع بر سبب انفاسخ مسلط است نه بر فسخ عقد مستقیماً، برخلاف

صورت دوم که رد ثمن نه انفاسخ است و نه فسخ و نه تسلط بر سبب انفاسخ بلکه اگر بایع ثمن مبیع را به مشتری برگرداند شرط لزوم

اقاله محقق می‌شود؛ چون که مشتری متعهد شده که در صورت رد ثمن به او معامله را اقاله کند و مثنی به ملک بایع برگردد.

* فی التذکره: الأصل فی البیع اللزوم لأنّ الشارع وضعه لنقل الملك و الأصل الاستصحاب. لا یخرج من هذا الأصل إلّا بأمرین ثبوت خيار أو ظهور عیب

و ظاهره أنّ ظهور العیب سبب لتزلزل البیع فی مقابل الخيار. ۱۱۳-۵

۳. أ. استصحاب را تقریب کنید. ب. اشکال عطف «ظهور عیب» بر «ثبوت خيار» چیست؟ توضیح دهید.

أ. با عقد بیع هر یک از عوضین به ملک شخص مقابل منتقل شده است با فسخ أحد المتعاقدين شک می‌کنیم که آیا عوضین بر ملکیت حاصل بعد از عقد باقی است یا نه؟ استصحاب می‌کنیم بقاء ملکیت بعد از عقد را.
ب. اشکال: ظهور عیب سببی از اسباب خیار است و با توجه به ذکر اسباب خیار قبل از آن، ذکر ظهور عیب لغو می‌باشد.

* إن المتبادر من الافتراق هو الاختیاری فی مقابل الاضطراری الذی لم يعدّ فعلاً حقیقیّاً قائماً بنفس الفاعل بل یكون صورة فعل قائمة بجسم المضطر لا فی مقابل المکره الفاعل بالاختیار لدفع الضرر المتوعّد علی ترکه.

۶۹

۴. با توجه به عبارت، دو معنای اختیاری را بنویسید.

۱. اختیاری در مقابل اضطراری یعنی فعل حقیقتاً مستند به فاعل و قائم به نفس اوست.
۲. اختیاری در مقابل اکراهی یعنی گرچه حقیقتاً مستند به فاعل و قائم به نفس اوست ولی از روی رضایت باطنی نیست.

* فی سقوط خیار التأخیر بالإسقاط فی الثلاثة وجهان: من أن السبب فی الضرر الحاصل بالتأخیر فلا یتحقّق إلاّ بعد الثلاثة. ومن أن العقد سبب الخیار فیکفی وجوده فی إسقاطه مضافاً إلى فحوی جواز اشتراط سقوطه فی متن العقد.

۲۳۳/۱

۵. وجه سقوط و عدم سقوط را توضیح دهید.

وجه سقوط: سبب و مقتضی برای هر خیار عقد است و تأخیر یا ضرر حاصل پس از سه روز، شرط فعلی شدن خیار است نه اینکه مقتضی و مؤثر باشد.

شرط سقوط خیار تأخیر در ضمن عقد صحیح است؛ پس به طریق اولی اسقاط خیار پس از عقد و در ظرف سه روز نافذ خواهد بود.
وجه عدم سقوط: سبب و مقتضی خیار تأخیر، ضرری است که از ناحیه تأخیر بیش از سه روز حاصل می‌شود و هنوز این مقتضی حاصل نشده است؛ پس خیار هم فعلی نشده است تا قابل اسقاط باشد. اسقاط، فرع ثبوت است؛ لذا از نوع اسقاط ما لم یجب است.

* لو باع کلیّاً حالاً أو سلماً کان الانصراف الی الصحیح من جهة ظاهر الإقدام أيضاً. ویحتمل کونه من جهة الإطلاق المنصرف الی الصحیح فی مقام الاشرای وإن لم ینصرف إليه فی غیر هذا المقام.

۲۷۳/۳

۶. وجه انصراف و تفاوت دو انصراف را شرح دهید.

با اینکه اگر مبیع عین خارجی باشد، نوبت به خیار عیب می‌رسد ولی اگر کلی باشد، مبیع به ذمه می‌آید و در مقام اداء باید سالم را تحویل دهد و اگر معیوب بود، مشتری حق دارد آن را قبول نکند ولی حق فسخ ندارد. ولی ممکن است گفته شود چون مقام اشتراء است و اقدام در اشتراء بر صحیح می‌شود عقلاً، پس ولو مبیع کلی است ولی انصراف به صحیح دارد.

در وجه اول، انصراف مقامی است؛ یعنی ظاهر حال مشتری که اقدام به پرداخت ثمن می‌کند، این است که مالش را برای خریدن جنس سالم می‌پردازد همچنانکه در فرض مبیع شخصی گفته شد و انصراف دوم از باب انصراف مطلق به فرد صحیح در باب الفاظ است، اما این انصراف فقط در باب اشتراء جاری است.

* أمّا التصرف قبل العلم بالعیب، فإن کان مغیراً للعین بزیادة أو نقیصة أو تغیر هیأة أو ناقلاً لها بنقل لازم أو جایز - و بالجمله صار بحیث لا یصدق معه قیام الشیء بعینه - فهو مسقط.

۲۸۵

۷. برای هر یک از صور تصرف مثال بزنید. ملاک سقوط خیار در صور مذکور چیست؟

۱. تغییر به زیاده مثل این که بر آن چیزی افزوده باشد.
 ۲. تصرف بالنقیصه مثل این که از مبیع چیزی برداشته.
 ۳. تغییر هیئت (مثل این که پارچه را بریده لباس دوخته).
 ۴. نقل لازم (مثل این که مبیع را به دیگری با اسقاط خیار فروخته باشد).
 ۵. نقل جایز (مثل مبیع را به غیر خویشاوند هبه نموده باشد).
- ب. تصرفی که عرفاً دیگر شیء همان شیء سابق نباشد.

* إنَّ المستفاد من أدلة تحريم الربا أنَّ وصف الصَّحة في أحد الجنسين كالمعدوم لا يترتَّب على فقدِه استحقاق عوض ومن المعلوم أنَّ الأرش عوض وصف الصَّحة عرفاً وشرعاً، فالعقد على المتجانسين لا يجوز أن يصير سبباً لاستحقاق أحدهما على الآخر زائداً على ما يساوي الجنس الآخر. ٣١٨/٩

٨. اگر دو کیلو گندم معامله شود به دو کیلو گندم و یکی معیوب بود، آیا حق گرفتن ارش هست؟

خیر؛ زیرا فقدان وصف صحّت، موجب نقص قیمت در احد عوضین متجانسین است و بر طبق ادله ربا، معاوضه دو متجانس با وجود تفاوت وزن حرام است.

* لو اختلفا في حدوث العيب في ضمان البايع أو تأخره عن ذلك بأن حدث بعد القبض وانقضاء الخيار كان القول قول منكر تقدّمه للأصل حتّى لو علم تاريخ الحدوث وجهل تاريخ العقد لأنَّ أصالة عدم العقد حين حدوث العيب لا يثبت وقوع العقد على المعيب. ٣٣٩

٩. أ. در چه زمانی حدوث عیب بعد از بیع به عهده بایع است؟ ب. محل اختلاف بایع و مشتری را در مسأله فوق توضیح دهید.

أ. در زمانی که هنوز قبض نکرده مشتری و یا قبض کرده ولی هنوز خیار دارد.

ب. محل اختلاف، حدوث عیب است. یا در مدتی که اگر عیب حادث شود در آن مدت بایع ضامن است و یا بعد از آن مدت و به عبارت دیگر، محل اختلاف حدوث عیب است در ضمان بایع یا بعد از ضمان بایع.